



عرفان جهادی در سیره «سیدالعلماء»، آیت‌الله خسروشاهی

عرفان آیت‌الله خسروشاهی به تأسی از امام راحل، عرفان جهادی و عرفان در میدان است، نه صرف خلوت‌گزینی، چنان‌که بیشترین توصیه ایشان به تحرک و فعالیت فرهنگی بوده و هست؛ عرفانی که معتقد است زاهدان شب باید شیران روز باشند.

عرفان آیت‌الله خسروشاهی به تأسی از امام راحل، عرفان جهادی و عرفان در میدان است، نه صرف خلوت‌گزینی، چنان‌که بیشترین توصیه ایشان به تحرک و فعالیت فرهنگی بوده و هست؛ عرفانی که معتقد است زاهدان شب باید شیران روز باشند.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، محمدآقاسی، مدیر مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) به مناسبت دیدار مدیران فرهنگی جهاد دانشگاهی با آیت‌الله سیدابراهیم خسروشاهی در یادداشتی با عنوان «راز مکتوم عشق؛ در بزرگداشت سیدالعلماء، حضرت آیت‌الله سیدابراهیم خسروشاهی» با اشاره به شاگردی خود نزد آیت‌الله خسروشاهی، به بیان برخی ویژگی‌های ایشان پرداخته است که در ادامه این یادداشت را می‌خوانید.

راز مکتوم عشق

کسوت روحانیت و پیروی از ایشان برای بنده که در بیت روحانیت تنفس کرده و نمو یافته بودم، همیشه بسیار حائز اهمیت بوده و هست. از بیش از یک دهه پیش که دانشجوی کارشناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران بودم هم عادت کردم تا به خاطر ارتباط مؤثر و مستمرم با علمای دینی و رابطه حسنه‌ای که با آنان داشتم و دارم، عده‌ای خواب‌زده، انگ بی‌سوادی و کم‌سوادی به بنده و امثال بنده بزنند. خوب به خاطر دارم که با امام جماعتی که به تازگی برای نمازخانه دانشکده آمده بود و خودش هم تحصیلات عالیه دانشگاهی داشت مشغول صحبت بودم و ابراز تمایل می‌کردم به معاشرت با یک فرد روحانی، مجتهد، متخلق به اخلاق با مذاق ولایی و مدافع انقلاب اسلامی. ایشان هم بلادرنگ سید مجتهدی را که در مدرسه مروی به ذی طلبگی، مشغول تدریس هستند، معرفی کرد.

قریب به یکسال طول کشید تا دیدار با معظم له در حجره کوچک مدرسه مروی تهران روزی بنده و یکی از دوستان آن روزگاران گردد. سیدی نورانی، خندان و بسیار گشاده‌رو و کم سخن و باابهت معنوی در برابرم بود و به سخنان و درخواست‌هایم گوش می‌داد. نقطه آغازین مراوده‌ام با حضرت آیت‌الله سیدابراهیم خسروشاهی همراهی با ایشان تا منزلشان بود و سخنانی که از عمق جان ایشان بر می‌خواست و در اعماق جانم نفوذ می‌کرد. کم کم متوجه شدم که تنها دانشجویی که از محضر مبارکش کسب فیض می‌کند من نیستم، و جلسه‌ای دارند مملو از دانشجویان دانشگاه‌های معتبر و رشته‌های مختلف دانشگاهی. بسیاری از افراد آن جمع هم‌اکنون یا تحصیلات عالیه دارند، یا در خارج از کشور مشغول به تحصیل شدند و برخی از دوستان نیز طلبه حوزه علمیه هستند و یا در کسوت روحانیت خدمت می‌کنند.

مکتوم بودن؛ ویژگی خلقی استاد

ویژگی خلقی بارز استاد، مکتوم بودن است که هم ناشی و هم حاکی از تواضع کم‌نظیر ایشان است. تواضعی که باعث می‌شود به راحتی جوان دانشجوی بیست‌ودو ساله‌ای را به محضر بپذیرد و با او بر سر مواردی که شاید برای بسیاری پیش پا افتاده باشد، بحث کند و مشفقانه و پدراانه پاسخ دهد. این کتمان خاشعانه در تمامی ابعاد زندگی ایشان موج می‌زند تا جایی که بعدها فهمیدم استادشان حضرت امام روح‌الله خمینی -سلام الله علیه- وی را «سیدالعلماء» خطاب نموده‌اند؛ و یا ما که به خیال خودمان گرد سفره تدریس اخلاق ایشان و تدریس کتاب «چهل حدیث» امام امت -سلام الله علیه- جمع شده بودیم، متوجه شدیم ایشان از حلقه شاگردان مرحوم علامه طباطبایی -رحمت الله علیه- بوده‌اند و لذا در فلسفه نیز متبحر هستند؛ و البته بد نیست بگویم که علی‌رغم کهولت سن هنوز هم درس شرح منظومه ملاهادی سبزواری ایشان دائر است.

ضرورت آموختن علوم معقول برای سیر و سلوک، از نظر آیت‌الله خسروشاهی

معظم له از جمله کسانی است که برای سیر و سلوک و کسب درجات الهی، آموختن علوم معقول را ضروری می‌داند. حضرت امام خمینی -سلام الله علیه- در شرح حدیث دوازدهم از کتاب شریف چهل حدیث می‌فرمایند: «و فرق بین مآثورات از انبیا و کتب حکما فقط در اصطلاحات و اجمال و تفصیل است (نه در معنی) چنان چه فرق بین فقه و اخبار راجعه‌ی به فقه در اصطلاحات و اجمال و تفصیل است. (یعنی همان گونه که کتب فقهی در خدمت علوم اهل بیت اطهار است و در عین حال هیچ فقهی نیست که مورد رد و ایراد فقها قرار نگرفته باشد، به طوری که مرحوم آیت‌الله بروجردی فرمودند: احسن کتب فقهی، شرایع محقق است و اکثر اشکالات نیز متوجه آن است) همان گونه فلسفه و حکمت متعالیه نیز هدفی جز خدمت به کتاب و سنت ندارد.» باز هم برای خودم و خوانندگان محترم تأکید می‌کنم که شاید فقط یکی از امتیازات سیدنا الاستاد باعث شهرت و یا اسباب شهرت برای فردی گردد، اما همه گفته‌ها و ناگفته‌ها در پس پرده خضوع ایشان نهفته بوده و مانده.

آنچه در ذهن عموم از جلسات اخلاق شکل گرفته مشغول شدن عده‌ای به اذکار و اوراد تحت توجه و نظارت یک استاد است. اما بارها و بارها شد که از استاد خسروشاهی درخواست ذکری و وردی گردید با تعیین وقتی و عددی برای قرائتش، اما ایشان اشاره می‌کردند هر آنچه در مفاتیح الجنان آمده را بخوانید، و اصرار و الحاح هم توفیری در تغییر رأی و نظر ایشان

نداشت. البته این بدان معنی نبود که ایشان از مستحبات و عبادات فارغ باشند، بلکه معتقدند در مسیر باید از تمام این موارد استفاده نمود و خود به بهترین وجه ممکن نیز مدد می‌جستند.

عرفان آیت‌الله خسروشاهی عرفان جهادی و عرفان در میدان است به واقع عرفان سیدناالاستاد به تأسی از امام راحل عظیم الشان، عرفان جهادی و عرفان در میدان بود و نه صرف گوشه‌نشینی و خلوت‌گزینی. عرفانی که معتقد است زاهدان شب باید شیران روز باشند. بیشترین توصیه ایشان به تحرک و فعالیت فرهنگی بوده و هست. خوب به خاطر دارم که باری در جوار حرم حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا -علیه آلاف التحیت و الثناء- از ایشان درخواست ارائه طریق کردم. ایشان فرمودند به هر اندازه که می‌توانی از کتاب اصول اعتقاداتی که در آن زمان افتخار تلمذ در نزد ایشان را داشتم، تهیه کنی و در مساجد و کتابخانه‌ها بگذاری تا دیگران استفاده کنند، یا به طوری مؤکد سفارش می‌کردند به مناطق محروم و افراد مستضعف باید خدمت کرد و البته این شور و شفع برای مردی در سنین هفتاد و هشتاد بسیار شگفت‌انگیز است. ماجرای اصرار ایشان برای ساخت مسجدی در تهران هم زبانزد عام و خاص است که باید در جای خود طرح گردد.

آنچه در محضر آیت‌الله خسروشاهی به مخاطب القا می‌شود تنها یک چیز است: «خدا...خدا...خدا...»

آنچه این مرد بزرگ می‌گوید و چون بنده‌ای از انجامش درمانده و به همین دلیل وامانده‌ام، بیش از آن را انجام داده است و نه از حال که از کودکی و جوانی مصرانه پای در مسیر نهاده است. سیدناالاستاد خاطره‌ای نقل می‌فرمایند که گمان می‌رود راجع به خود ایشان می‌باشد. می‌فرمودند که جوانی با دوستان وعده زیارت مسجد مقدس جمکران را کرده بود. ولی پس از وقت نماز برای آنکه به خاطر آورد عهده‌ای با مادر دارد، از دوستان عذرخواهی عدم همراهی کرد. دوستان نیز لب به شماتت گشودند که انس با حضرت صاحب - علیه السلام - را رها کردی و به سمت مادرت می‌روی. استاد می‌فرمودند که آن جوان دیگر با این دوستان ارتباط خویش را قطع کرد برای آنکه پروردگار متعال سفارش به احترام مادر کرده است. در حقیقت خلاصه آنچه در محضر حضرت آیت‌الله خسروشاهی به مخاطب القا می‌شود تنها یک چیز است: «خدا...خدا...خدا...»

و این نوشتار به شکرانه حضور در محضر مبارکش به همراه مدیران فرهنگی معاونت جهاددانشگاهی و نیز همکارانم در مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) نوشته شد. باشد که هم موجب آشنایی بیشتر با ایشان بگردد و هم شکرانه‌اش باعث افزایش دیدار با علما.